

مدیریت راهبردی آراء در شورای امنیت

حسن طایفه پارچلو

کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران

چکیده

ناکارآمدی جامعه بین‌المللی در برقراری نظام امنیت جهانی و تشنجات بین‌المللی که منجر به وقوع جنگ جهانی دوم گردید، با تاسیس سازمان ملل متحد و با دادن عضویت دائم به پنج کشور جهان آمریکا، شوروی سابق، فرانسه، انگلیس و چین و با حق رأی ممتاز، موضوع ماده ۲۵ فصل ۵ منشور ملل متحد، عملاً تضمین صلح جهانی میسر گردید. از اینرو یکی از وظایف شورای امنیت سازمان ملل متحد در انجام مسئولیت اولیه این نهاد در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، خاتمه دادن اختلافات بین‌المللی و برقراری صلح براساس فصل ششم منشور ملل متحد است. از طرفی حق وتو به‌عنوان رأی منفی هر یک از اعضا دائم شورای امنیت به قطعنامه‌های شورا در مسائل ماهوی راه‌حل راهبردی در هدفمند نمودن جامعه جهانی بر حفظ صلح جهانی می‌باشد. این رویکرد جدید دستاوردهایی بر حفظ صلح جهانی داشته است. البته در حل برخی از مسائل بحران‌ساز ناکارآمد بوده و منتقدین، این حق را براساس برابری یا نابرابری از اصول متقین منشور ملل متحد دانسته و این حق سایر اعضا را از لحاظ دیپلماسی و اجرایی به نوعی درگیر با تصمیم این ۵ کشور نموده است. چرا که تعداد قطعنامه‌های وتو شده از زمان تاسیس سازمان تا به امروز بالاترین درصد را برای روسیه و سپس آمریکا به رقم کشیده و به دلیل بار سیاسی و همسو بودن با منافع آن کشورها، چالش‌های موجود را به لحاظ زمانی و مکانی موجب گردیده تا بار سنگینی بر دوش جامعه جهانی داشته باشد. فارغ از شایستگی‌ها، نسبی بودن عملکرد شورای امنیت، برخی از کشورها را بر آن داشته تا نظر جامعه جهانی را با مدیریت و متد و مدل‌های ساختاری جدید چه در آرا و چه در صلاحیت و ترکیب اصلی و یا بالا بردن توان تصمیم‌گیری شورای امنیت برای مدیریت راهبردی این سازمان به اجماع برسانند.

واژه‌های کلیدی: حق وتو، سازمان ملل، شورای امنیت، مدیریت راهبردی، امنیت.

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۴، شماره ۱/۲، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۲۰۶-۱۹۵